

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۱

شماره ۸۶۵۰

با مردم

کوچه‌ها و سطل‌های زباله منطقه صادقیه نیاز به نظافت دارند متأسفانه مدت زیادی است که رسیدگی به نظافت منطقه صادقیه کم شده و گاهی اوقات کوچه‌ها و سطل‌های زباله کثیف است. من ساکن خیابان اسدی جنوبی در این منطقه هستم، دیروز شاهد این بودم که سطل‌های زباله‌ای که از شب قبل پر شده بود تا ساعت ۴ عصر خالی نشده و گر به‌های محل مشغول پیداکردن غذا در آنها بودند. بویی هم که به واسطه تجمع این زباله‌ها ایجاد شده بود بسیار آزاردهنده بود. از شهرداری منطقه درخواست دارم هر چه زودتر به این وضعیت رسیدگی کنند.

جلالوند از تهران
پارکینگ طبقاتی تجریش مجهز به تابلوی نرخ ورودی شود
با اینکه بارها در مورد نرخ دریافتی پارکینگ طبقاتی تجریش تذکر داده و پیگیری کرده‌ام هنوز به جایی نرسیده‌ام و کم‌ساک مسئولان ایسن پارکینگ نرخ من در آوردی و چند برابری از رانندگان دریافت می‌کنند. برای افرادی مثل من که کارمند هستنند و ناچارند هر روز از این پارکینگ استفاده کنند این هزینه واقعا زیاد و غیرمنصفانه است. راه حل این کار ساده است. مسئولان شهرداری می‌توانند با نصب تابلویی که نرخ مصوب در آن درج شده جلوی این اجحاف را بگیرند.

همتی از تهران
در مناطق کم درآمد به دانش آموزان ناهار رایگان داده شود
دانش آموزانی که در مناطق محروم و کم‌درآمد چه در جنوب تهران و چه در شهرهای دیگر به مدرسه می‌روند، اغلب از تغذیه خوبی برخوردار نیستند. مسئولان می‌توانند با همکاری خیرین یک وعده غذای گرم برای این بچه‌ها تهیه کنند تا بخشی از مشکل تغذیه آنها حل شود.

خانمی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوشخوان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

دفاتر معاملات املاک برای تمدید قرارداد هم مبلغ گزافی دریافت می‌کنند

من یک مستأجر هستم که هر سال جهت قانونی بودن تمدید قرارداد با صاحبخانه، به دفتر معاملات املاک محل مراجعه می‌کنم. اینکه برای بار اول و جهت دریافت کد رهگیری از طرفین قرارداد، مبلغی را دریافت می‌کنند منطقی است اما برای دفعات بعد در حالی که تنها چند خط پشت قرارداد قبلی می‌نویسند و سرجمع ۵دلتهیه از خواستشان را هم نمی‌گیرند در یافت ارقام بالا هیچ توجیهی ندارد. درخواست می‌کنم تا مراجع ذی صلاح به این موضوع ورود کنند.
سراینده از کرج

پله‌های پل‌های عابر پیاده مناسب نیستند
بمنظر می‌رسد پله‌های پل‌های عابر پیاده در سطح شهر درست و استاندارد طراحی نشده‌اند. ارتفاعشان زیاد و کف پله‌ها لیز است. خود من سال گذشته هنگام بارندگی وقتی مشغول بالا رفتن از پله‌ها بودم، سرخوردم و پام چپ در رفت. این وضعیت برای کودکان و سالمندان هم مشکل است. بهتر بود قبل از طراحی و نصب این پله‌ها به‌طور دقیق کارشناسی می‌شد چون تعویض آنها هم مشکل و هم بسیار هزینه‌بر است.

فدایی از تهران
تاکسی‌های خطی موقع بارندگی و یارویدادهای ورزشی کم کاری می‌کنند
یک قطره باران ببارد که می‌بارد، آن وقت است که تعدادی از تاکسی‌ها می‌خواهند دریست سوار کنند. موقع برگزاری رویدادهای ورزشی هم مثل بسازی اخیر تیم ملی فوتبال کشورمان خبری از تاکسی‌های خطی نیست و مردم ناچارند سوار مسافرکش‌های شخصی شده و این تاکسی‌های اینترنتی استفاده کنند. این رویه واقعا ناسایست و غیرقابل قبول است. سازمان تاکسیرانی باید نظارت دقیق‌تری بر عملکرد رانندگان خود خصوصا در اینگونه مواقع داشته باشد.

چراغیان از تهران

پیام
تلگرام با مردم hamshahri@barmom

نخاله‌های ساختمانی را سر و سامان دهید
به هر کجای شهر که نگاه می‌کنیم ساختمان و یا آپارتمانی در حال احداث است. جدا از سروسضایی که به‌علت ساخت‌وساز ایجاد می‌شود و مخصوصا شب‌ها مخل آسایش است و همینطور اشتغال پیاده‌رو توسط داربست‌ها و کارگران، دپوی نخاله‌های ساختمانی به‌علت عدم مقفندند که رالف هاوول تنها دختر دانشجو بلکه ۳دختران هم بود. به گزارش همشهری به نقل از سسی بی‌اس، از اکتبر ۱۹۷۶تا۱۰آوریل ۱۹۷۸، حداقل ۴دختر که ۳تفّر از آنها نوجوان بودند، در شهر همیلتون ایالت اوهاوی با شگردی مشابه به قتل رسیدند. بررسی‌های پلیسی از این حکایت داشت که عامل قتل هر ۴دختر بی‌گناه احتمالا یک نفر بوده که پس از حمله به آنها، به‌سه قربانیانش تجاوز کرده و سپس آنها را به قتل رسانده است. یکی از قربانیان دختر ۱۹ساله‌ای به نام شریل تامپسون بوده دانشجوی سال اول دانشگاه سینسیناتی که یک شب برای دیدن دوستش در یک کلوب شبانه از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. در آن زمان پلیس و خانواده شریل تامپسون جست‌وجوهای گسترده‌ای را برای پیدا کردن این دختر انجام دادند اما در نهایت ۲هفته بعد جان شریل در یک مغازه ۳ساله جوانانه پیدا شد. بررسی‌های نشان می‌داد که او قربانی یک قاتل بی‌رحم شده و وی پس از تجاوز به دختر دانشجو، او را خفه کرده و جسدش را به داخل رودخانه انداخته است.

در آن زمان پلیس جنس می‌زد که قتل شریل تامپسون با قتل ۴دختر دیگر که در این منطقه رخ داده ارتباط دارد و احتمالا قاتل همه آنها یک نفر است اما سال‌ها تحقیقات پلیسی نتوانست راز این پرونده را فاش کند و عامل این جنایات هرگز دستگیر نشد.
آزمایش دی‌ان‌ای
تنها سسر نخی که از قاتل شریل تامپسون وجود داشت، نمونه دی‌ان‌ای بود که از عامل جنایت به‌جا مانده بود. این سرنخ سال‌ها در آزمایشگاه جنایی نگهداری می‌شد تا اینکه از چند ماه پیش پلیس از یک شرکت خصوصی برای کشف راز این پرونده قدیمی

رودخانه انداخته است.
در آن زمان پلیس جنس می‌زد که قتل شریل تامپسون با قتل ۴دختر دیگر که در این منطقه رخ داده ارتباط دارد و احتمالا قاتل همه آنها یک نفر است اما سال‌ها تحقیقات پلیسی نتوانست راز این پرونده را فاش کند و عامل این جنایات هرگز دستگیر نشد.
آزمایش دی‌ان‌ای
تنها سسر نخی که از قاتل شریل تامپسون وجود داشت، نمونه دی‌ان‌ای بود که از عامل جنایت به‌جا مانده بود. این سرنخ سال‌ها در آزمایشگاه جنایی نگهداری می‌شد تا اینکه از چند ماه پیش پلیس از یک شرکت خصوصی برای کشف راز این پرونده قدیمی

نماننده از چرچک

حوادث

خانواده نوجوان ۱۵ساله اعضای بدن او را اهدا کردند

محمد مهدی، فرشته نجات ۴بیمار شد



«باورم نمی‌شد که پس ۱۵ساله‌ام فوت شده و دیگر بر نمی‌گردد. با اما وقتی فهمیدم مرگ مغزی علاجی ندارد، با جان کردم؛ اما وقتی فهمیدم مرگ مغزی علاجی ندارد، با جان

و دل موافقت کردم تا اعضای بدن پسرم به بیماران نیازمند اهدا شود.» این بخشی از حرف‌های مردی است که همین چند روز قبل اعضای بدن پسرش را که در جریان یک حادثه دچار مرگ مغزی شده بود به ۴بیمار نیازمند اهدا کرد. اما او همسرش چطور چنین تصمیمی گرفتند و حالا چه احساسی دارند؟

به گزارش همشهری، خانواده فرخی که در شهرستان مهاجران، واقع در استان همدان زندگی می‌کنند تا همین چند روز قبل ۳فرزند داشتند. ۲دختر و یک پسر ۱۵ساله به نام محمد مهدی. پسر نوجوان روز ۱۸آبان همراه با یکی از دوستانش سوار موتورسیکلت شد تا به صحرا برود. آنها ساعتی نزد دوستانشان بودند و وقتی کم‌کم هوا در حال تاریک شدن بود تصمیم گرفتند که به خانه برگردند. وقتی آنها به راه افتادند هوا تاریک شده بود و به همین دلیل با احتیاط بیشتری حرکت می‌کردند. دوست محمد مهدی را کب موتورسیکلت او و ترک‌کشینش بود. هنوز مسافت زیادی راه طی نکرده بودند که بنابر دلایل نامعلوم موتورسیکلت از مسیر منحرف و در کنار جاده واژگون شد. دوست محمد مهدی از جایش بلند شد اما در تاریکی شب به درستی معلوم نبود که چه بر سر محمد مهدی آمده است. او بی‌حال روی زمین افتاده و ظاهرا سرش آسیب دیده بود. جاده روستایی

که این حادثه در آنجا اتفاق افتاده بود تاریک و خلوت بود و در آن ساعت از شب هیچ کس از آنجا عبور نمی‌کرد که به آنها کمک کند. پسر نوجوان دقایقی منتظر ماند تا اینکه موتورسواری که از آنجا می‌گذشت با دیدن واژگونی موتورسیکلت به کمک ۲پسر نوجوان رفت.

دقایقی از این حادثه می‌گذشت که محمد مهدی به بهداری مهاجران منتقل و هم‌زمان ماجرا به پدر و مادرش خبر داده شد. پسر نوجوان وضعیت خوبی نداشت. ضربه‌ای که بر اثر سقوط از موتورسیکلت به سر او اصابت کرده بود شدید و باعث خونریزی داخلی شده بود. در چنین شرایطی بود که پسر نوجوان به بیمارستانی در همدان انتقال یافت تا تلاش‌ها برای نجاتش در آنجا ادامه پیدا کند. هر چه می‌گذشت سطح هوشیاری محمد مهدی کمتر می‌شد و او در کما بود؛ با این حال کادر پزشکی همه تلاش‌شان را برای نجات او انجام دادند. چند روز از

داخلی

به گزارش همشهری، خانواده فرخی که در شهرستان مهاجران، واقع در استان همدان زندگی می‌کنند تا همین چند روز قبل ۳فرزند داشتند. ۲دختر و یک پسر ۱۵ساله به نام محمد مهدی. پسر نوجوان روز ۱۸آبان همراه با یکی از دوستانش سوار موتورسیکلت شد تا به صحرا برود. آنها ساعتی نزد دوستانشان بودند و وقتی کم‌کم هوا در حال تاریک شدن بود تصمیم گرفتند که به خانه برگردند. وقتی آنها به راه افتادند هوا تاریک شده بود و به همین دلیل با احتیاط بیشتری حرکت می‌کردند. دوست محمد مهدی را کب موتورسیکلت او و ترک‌کشینش بود. هنوز مسافت زیادی راه طی نکرده بودند که بنابر دلایل نامعلوم موتورسیکلت از مسیر منحرف و در کنار جاده واژگون شد. دوست محمد مهدی از جایش بلند شد اما در تاریکی شب به درستی معلوم نبود که چه بر سر محمد مهدی آمده است. او بی‌حال روی زمین افتاده و ظاهرا سرش آسیب دیده بود. جاده روستایی

که این حادثه در آنجا اتفاق افتاده بود تاریک و خلوت بود و در آن ساعت از شب هیچ کس از آنجا عبور نمی‌کرد که به آنها کمک کند. پسر نوجوان دقایقی منتظر ماند تا اینکه موتورسواری که از آنجا می‌گذشت با دیدن واژگونی موتورسیکلت به کمک ۲پسر نوجوان رفت.

دقایقی از این حادثه می‌گذشت که محمد مهدی به بهداری مهاجران منتقل و هم‌زمان ماجرا به پدر و مادرش خبر داده شد. پسر نوجوان وضعیت خوبی نداشت. ضربه‌ای که بر اثر سقوط از موتورسیکلت به سر او اصابت کرده بود شدید و باعث خونریزی داخلی شده بود. در چنین شرایطی بود که پسر نوجوان به بیمارستانی در همدان انتقال یافت تا تلاش‌ها برای نجاتش در آنجا ادامه پیدا کند. هر چه می‌گذشت سطح هوشیاری محمد مهدی کمتر می‌شد و او در کما بود؛ با این حال کادر پزشکی همه تلاش‌شان را برای نجات او انجام دادند. چند روز از

پسر جوان ۳ساعت پس از نخستین سرفت دستگیر شد

آموزش تضمینی سرفت پراید در ۳جلسه!

بستری شدن پسر نوجوان در بیمارستان می‌گذشت که او دچار مرگ مغزی شد. در این شرایط احتمال بازگشت وی به زندگی نزدیک به صفر بود و بهترین کار اهدای اعضای بدنش به بیماران نیازمند بود. در این شرایط کادر پزشکی این موضوع را با پدر و مادر محمد مهدی در میان گذاشتند. پدرش این واقعیت تلخ برای آنها دشوار بود. با وجود اینکه مادر محمد مهدی با این پیشنهاد موافقت کرد اما پدرش به‌دلیل اینکه امیدوار بود پسرش به زندگی برگردد با اهدای عضو مخالفت کرد. به همین دلیل بیمار مرگ مغزی چند روز دیگر در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری بود تا اینکه او نیز قاتل شد که پسرش دیگر به زندگی بر نمی‌گردد و مراسم رضایت‌نامه را امضا کرد.

چرا اعضای پسر را اهدا کردم
محمد فرخی، پدر محمد مهدی پس از حادثه‌ای که برای پسرش اتفاق افتاد، روزها و شب‌های سختی را گذرانده است و هنوز باورش نمی‌شود که پسرش را از دست داده است. او در این باره به همشهری می‌گوید: نخستین مرتبه‌ای که پزشکان گفتند محمد مهدی دچار مرگ مغزی شده من باورم نمی‌شد. با اینکه همسر هم ابتدا موافقت کرد اما من دلم راضی نمی‌شد و می‌گفتم شاید معجزه‌ای اتفاق بیفتد و پسرم به زندگی برگردد. بعد از آن ۳مرتبه دیگر هم اهدای عضو را مطرح کردند اما من باز هم مخالفت کردم تا اینکه یک روز با خودم خلوت کردم و از خدا خواستم که راه درست را جلوی پایم بگذارد. آن روز بود که به دل‌م افتاد که بهترین کار اهدای اعضای بدن پسرم به بیماران نیازمند است. همان روز بود که رضایت‌نامه را امضا کردم و پسرم از همدان برای اهدای عضو به تهران منتقل شد.

او درباره اعضای اهدایی پسرش می‌گوید: به ما گفتند که ۴عضو اصلی شامل: قلب، کلیه‌ها و کبد محمد مهدی جداسازی و به بیماران نیازمند اهدا شده است و حالا هم تا تصمیمی که گرفته‌ام راضی‌ام و مطمئنم که روح پسرم از این کار شاد شده است.

خوشحالی محمد مهدی از اهدای عضو
مریم فرجی، مادر پسر نوجوان هم با اینکه داغدار پسرش است اما می‌گوید یکی از نزدیکانش خواب محمد مهدی را دیده که او از این تصمیم راضی و خوشحال است. او در این باره به همشهری می‌گوید: پسرم بعد از انتقال به بیمارستان به کما رفت و شوهرم گمان می‌کرد که او به زندگی برمی‌گردد و به همین دلیل با اهدای عضو مخالف بود. اما کمی بعد وقتی متوجه ماجرا شد به او گفتم که تو هم راضی باش تا پسرمان بیش از این در بیمارستان اذیت نشود و او هم به انجام این کار رضایت داد.

این مادر داغدار ادامه می‌دهد: در این مدت یک شب محمد مهدی به خواب یکی از اقوام‌ام آمد. او خوشحال بود و می‌گفت به پدرم بگوئید می‌تایی نکنم. من خوشحالم و جابم خوب است. این خواب باعث شد که ما هم به آرامش برسیم و من هنوز احساس مادرانگی‌ام را نسبت به او دارم. چند روز قبل هم به ما خبر دادند که قلب پسرم به مشهد فرستاده شده و حال بیمارانی که اعضای بدن پسرم به آنها پیوند زده شده خوب است.

پسر جوان ۳ساعت پس از نخستین سرفت دستگیر شد



تحت تأثیر حرف‌های او قرار گرفته بودم نقشه سرفت خودرو کشیدم اما هیچ تخصصی در سرفت نداشتم. ابتدا به جست‌وجو در فضای مجازی پرداختم تا اینکه با خلافتکاری آشنا شدم که تخصص سرفت ماشین بود. با او قرار گذاشتم و مرد سابقه‌دار که بارها به جرم سرفت محض دیدن ماشین، باز مرا تحقیر کرد و گفت که تو حتی در انجام کار خلاف هم بی‌عرضه هستی! او می‌گفت که چرا ماشین مدل بالا سرفت نکردی و من که صعبانی شده بودم با او درگیر شدم که در نهایت با حضور پلیس ماجرا او رفت و من دستگیر شدم. براساس این گزارش، دختر و پسر جوان هر دو در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

راز دختر دانشجو پس از ۴دهه فاش شد

شناسایی قاتل سریالی ۳۷سال پس از مرگش

کمک گرفت. شرکت خصوصی مورد نظر در زمینه ازمایش ژنتیک فعالیت می‌کرد. به همین دلیل بانک اطلاعاتی کاملی از دی‌ان‌ای افراد مختلف داشت.

این شرکت پس از دریافت دی‌ان‌ای قاتل، بررسی‌های خود را آغاز کرد. این بررسی‌ها آنها را به گروه خاصی محدود کرد که دی‌ان‌ای آنها شباهت زیادی به دی‌ان‌ای قاتل داشت. این افراد همگی اعضای یک فامیل بودند اما بررسی‌ها نشان می‌داد دی‌ان‌ای قاتل متعلق به هیچ یک از آنها نیست اما بی‌شک قاتل یکی از اقوام آنهاست. در ادامه تحقیقات، معلوم شد شکی از اعضای این خانواده فردی به نام رالف‌هاوول بوده است؛ مردی که بررسی سوابق او نشان می‌داد یک‌بار به جرم آدم‌ربایی و شروع به تجاوز دستگیر و زندانی شده بود. رالف هاوول راننده توزیع روزنامه معروف شهر بود که طبق اطلاعات موجود در پرونده‌اش، در دهه ۷۰دختری را با قریب به داخل ماشین توزیع روزنامه کشانده و پس از آن تلاش کرده بود که با فشار دادن گلوئی این دختر او را خفه کند اما دختر جوان موفق نشده بود درگیری با این مرد از داخل ماشین بیرون ببرد و فرار کرد. به‌دست آمدن این اطلاعات باعث شد شکی از اعضای این خانواده فردی به نام از قتل شریل تامپسون ۱۹ساله به‌عنوان تنها مظنون این جنایت مورد نظر قرار بگیرد.

نیش قبر
برای کشف حقیقت باید از این مرد آزمایش دی‌ان‌ای انجام می‌شد اما این امکان وجود نداشت. چرا که رالف ۳۷سال پیش و در جریان یک تصادف رانندگی کشته شده و به خاک سپرده شد. با این حال به دستور دادستان شهر همیلتون، دستور نیش قبر و انجام آزمایش دی‌ان‌ای صادر شد و پس از بیرون کشیدن بقایای جسد این مرد و انجام آزمایش‌های تخصصی، معلوم شد که دی‌ان‌ای به جا مانده از قاتل شریل تامپسون با دی‌ان‌ای رالف مطابقت دارد. جوزف دیترز، دادستان شهر همیلتون که به تازگی کفبر خواست قتل درجه یک علیه رالف هاوول به اتهام قتل شریل تامپسون ۱۹ساله را

همیشه‌ری

کوتاه از حادثه

پلیس پایتخت در تعقیب

موبایل قاپ‌های مسلح

کارآگاهان پلیس در تعقیب ۲سارق هستند که برای سرفت موبایل طعمه‌ها یشان، لوله سلاح خود را روی آنها گذاشته و با تهدید به شلیک، دست به موبایل قاپی می‌زنند.

به‌گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از روز هفدهم آبان ماه امسال با شکایت ۲پسر جوان شروع شد.

یکی از آنها در توضیح ماجرا به مأمور پلیس گفت: ساعت حدود ۹شب بود و من و دوستانم سوار بر ماشین کنار خیابان توقف کرده بودیم. من پشت فرمان بودم و دوستانم در صندلی شاگرد نشسته بود و منتظر یکی از دوستانمان بودیم که ناگهان ۲ جوان که سوار بر موتور بودند، به کنار ماشین آمدند. هر دو، ماسک به‌صورت داشتند و کلاه مشکی بر سر. یکی از آنها با دست به شیشه کوبید و بر گم‌های را نشان داد. من و دوستان تصور کردیم که می‌خواهد آدرس بپرسد. به همین دلیل شیشه را پایین دادم اما او ناگهان لوله کلتش را روی شقیقه‌ام گذاشت و تهدید کرد که اگر گوشی موبایل خودم و دوستانم را در اختیارش قرار ندهم ماشا را می‌کند.

وی ادامه داد: من و دوستان شو که شده بودیم و دست و پای‌مان شروع کرده بود به لرزیدن. آنها گوشی‌های گران قیمت ما را قاپیدند و درحالی‌که ما هنوز در شوک بودیم، فرار کردند. پس از فرار، متوجه شدیم که آنها پلاک موتورشان را مخدوش کرده‌اند تا قابل شناسایی نباشد.

با این شکایت، پرونده‌ای در این باره تشکیل شد و گروهی از مأموران اداره آگاهی تهران، به دستور بازرس شعبه یکم دادسرای ویژه سرفت، تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری زندان مسلح آغاز کردند. اما ظرف مدت کوتاهی، چند شکایت مشابه دیگر هم در اختیار پلیس قرار گرفت. بررسی این شکایات‌ها نشان می‌داد که سارقان مسلح به‌صورت سریالی دست به سرفت گوشی‌های گران قیمت با تهدید کلت کمری می‌زنند. سرفت‌های این نوع فکر که ماسک به‌صورت داشتند و کلاه به سر، از هفدهم آبان تا ۵آذر صورت گرفته و تعداد شاکیان روزه‌بروز در حال افزایش بود. آنها اغلب در مناطق شمال و شمال غرب تهران سرفت‌هایشان را انجام می‌دادند و بررسی اظهارات شاکیان نشان می‌داد که این دو مجرم خشن از ساعت ۹شب به بعد دست به سرفت یا تهدید سلاح می‌زنند. شاکیان با سوار بر ماشین بودند و یا در حال پیاده روی و صحبت با گوشی موبایل که در دام درزان گرفته شده بودند و همگی آنها می‌گفتند که یکی از سارقان با قرار دادن لوله سلاحش روی سر آنها، اقدام به تهدیدشان کرده است. براساس این گزارش، این پرونده در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته و با توجه به سرنخ‌های موجود احتمال می‌رود که سارقان خشن، به‌زودی دستگیر شوند.

پسر جوان ۳ساعت پس از نخستین سرفت دستگیر شد

سرکیسه کردن طلا فروشان بدالارهای تقلبی

مرد ششپاد با طلافروشی‌ها تماس می‌گرفت و به تقلید صدا وانمود می‌کرد زن است. او به آنها مقدار زیادی طلا سفارش می‌داد و در ادامه خودش به طلافروشی مراجعه کرده و با پرداخت دلارهای تقلبی طلافروشان را سرکیسه می‌کرد. به گزارش همشهری، رسیدگی‌ها به این پرونده از چند روز قبل با شکایت صاحب

یک طلافروشی در پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. شکی درباره آنچه اتفاق افتاده بود به مأموران گفت: زن جوانی با من تماس رفت و با سفارش مقدار زیادی طلا گفت که وقت نمی‌کند به طلافروشی بیاید و برادرزاده‌اش برای دریافت طلا و تسویه حساب به طلافروشی مراجعه می‌کند. چند دقیقه بعد مرد جوانی به منازهام آمد و طلاها را تحویل گرفت و در ازای آن دلار پرداخت کرد اما بعد از رفتن او بود که فهمیدم همه دلارها تقلبی است. با ثبت اظهارات مالباخته تلاش‌های پلیس برای شناسایی متهم آغاز شد. آنها با استفاده از شیوه‌های علمی و تحقیقات تخصصی موفق شدند متهم را شناسایی کنند. انطور که مأموران بی‌پرونده او قصد داشت با همین ترند از طلافروشی دیگری نیز کلاهبرداری کند. به این ترتیب راهی این طلافروشی شد و مرکز تهران شدند و متهم را دستگیر کردند. آنها در ادامه به مخفیگاه متهم رفتند و طلاهای مسروقه و دلارهای تقلبی را کشف کردند. وقتی متهم تحت بازجویی قرار گرفت به خرید طلا با دلارهای تقلبی اعتراف کرد و گفت هیچ همدستی ندارد و فردی که با طلافروشی تماس گرفته خودش بوده که با تقلید صدا وانمود کرده زن است. سرهنگ علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام جزئیات این پرونده گفت: هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای کشف سایر جرائم احتمالی‌اش ادامه دارد.

هلاکت شرور مسلح در درگیری مرزی

درگیری نبروهای مرزبانی با اشراز مسلح در مرزهای شرقی به هلاکت یکی از اشراز منجر شد.

به گزارش همشهری، سردار محمد ملاشاهی، فرمانده مرزبانی استان سیستان و بلوچستان در این باره گفت: مرزبان هنگ مرزی سراوان که از قصد ورود عدای از اشراز و معاندین به خاک کشور مطلع شده بودند، با برنامه‌ریزی دقیق عملیاتی به محل مورد نظر اعزام شده و باجاری کمین همدفند آنها ام‌محاصره کردند. او ادامه داد: مرزبانان پس از مشاهده اشراز به‌صورت مسلحانه و با آتش پر حجم با آنها درگیر شدند که پس از پایان درگیری، در پاکستانی منطقه با یک‌بار بی‌جان یکی از اشراز مواجه شدند و یک دست‌گناه خودرو، یک قبضه سلاح کلاشینکف به همراه ۵تیغه خ‌شاب و ۸۵تیر جنگی و ۱۱جلد شناسنامه و ۳کارت ملی کشف کردند. فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان تأکید کرد: مرزداران با هرگونه اعمال خلاف قانون، به‌خصوص شرارت، قاطعانه به‌خورد می‌کنند و اجاز ایجاد هیچ گونه نامنی را به مخلان نظم و امنیت نمی‌دهند.

دانشجویان ایرانی در آمریکا دستگیر شدند

دانشجویان ایرانی در آمریکا دستگیر شدند

دانشجویان ایرانی در آمریکا دستگیر شدند

دانشجویان ایرانی در آمریکا دستگیر شدند